هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ یازدهم | چهارشنبه ۷ سرطان ۱۳۸۵ | ۱ جمادی الآخر ۱۴۲۶ – | June 28 , 2006

افغانستان، بحران و فرصت های از دست رفته
ص۳

اشرف غنی احمد زی:
در داخل و خارج این باور شکل می گیرد که افغانستان در حال لغزیدن به هرج و مرج است
ص۲

هندیه دختر امان الله خان در کابل
ص۶

حامد کرزی جادهء بازساختهء بغلان ـ شیرخان بندر را افتتاح کرد



دیروز سه شنبه ۶ سرطان حامد کرزی جادهء بازساختهء بغلان ـ شیرخان بندر را افتتاح کرد. این جاده به کمک بیست و نه میلیون و ششصد هزار دلاری بانک جهانی توسط شرکت چاینا رنیو بازسازی شده است.

رئیس جمهوری ضمن سخنرانی به مناسبت افتتاح این جاده به مردم شهر پلخمری گفت: افتتاح بهره برداری جادهء پلخمری ـ شیرخان بندر یک قدم دیگر در روند بازسازی کشور است که امروز آن را گذاشتیم. رئیس جمهوری گفت: نزدیک به دو صد هزار کودک در ولایاتی که در امتداد خط دیورند قرار دارند از دست رژیم تروریستان نمی توانند درس بخوانند، پایان دادن به این حالت در اولویت کارهای ما قرار دارد و برای رسیدن به این هدف پیوسته با جامعهء جهانی صحبت می کنیم تا برای نجات افغانستان و جهان از شر پدیدهء شوم تروریسم مبارزهء مؤثر صورت پذیرد و در برخورد استراتیژک با تروریسم منابع زیست و تربیت و تجهیز و حمایت آن هدف قرار بگیرد.

حامد کرزی امنیت در افغانستان را به سود کشورهای همسایه خواند و به تأکید از همسایگان خواست که سلامت و آرامش افغانستان را سلامت و آرامش خود بدانند و خواهان داشتن روابط حسنه با آنها شد.

او ایجاد گروه های ملیشا از سوی دولت را شایعه خواند و تکذیب کرد و گفت: ما شدیداً مخالف ایجاد و مسلح کردن گروه های ملیشا می باشیم و تمام تلاش ما برای تقویت و تجهیز پلیس ملی متمرکز است.

این سخنان را رئیس جمهور در حالی ابراز می دارد که در شماری از ولایت های جنوب و جنوب شرقی گروه هایی از ملیشا تشکیل گردیده اند و این کار از سوی ناظرانی از خارج کشور مورد انتقاد قرار گرفته است.

یک حملهء انتحاری در قندز ۱۰ کشته و مجروح برجای گذاشت

پلیس افغانستان اعلام کرد روز سه‌شنبه ۶ سرطان در یک حملهء انتحاری علیه یک کاروان سربازان آلمانی عضو نیروهای حافظ صلح در شمال کشور ۲ غیرنظامی افغان کشته و ۸ نفر مجروح شدند.

به گفتهء مسؤولان امنیتی شخص انتحار کننده با موتر بمب‌گذاری شده هنگام عبور یک کاروان نظامی آلمانی در ولایت قندز علیه این کاروان دست به حمله زد و موتر را منفجر کرد.

گفته می شود در این انفجار به سربازان آلمانی آسیبی نرسیده است اما ۲ غیرنظامی کشته و ۸ غیرنظامی از جمله ۴ کودک مجروح شدند.

صبح کاذب دموکراسی در اُفق سیاسی افغانستان

ص۷

اسرائیل در نوار غزه فاجعه آفرید



ارتش اسرائیل دیروز به بهانهء رها سازی یک سرباز اسیر شده اش توسط فلسطینیان بر نوار غزه یورش برد و دست به ویرانی و کشتار زد.

اسرائیل به زبان افرادی متعدد از منابع مختلف گفته است که این کار را برای رهایی و زنده بازگرداندن سرباز ربوده شده اش انجام داده است تا حکومت فلسطین به رهبری حماس را مجبور سازد که آن سرباز را رها سازند.

این سرباز اسرائیلی سه روز پیش توسط مبارزان فلسطینی اسیر شده بود، اما شماری از مسؤولان فلسطینی مدعی هستند که ارتش اسرائیل چندین روز پیش از اسیر شدن سرباز اسرائیلی آمادگی به حمله بر نوار غزه را گرفته بود.

اسرائیل در این حمله دست به ویران کردن زیر ساخت های اقتصادی فلسطین زده است [illegible] غزه را که [illegible] صد نیروی برق شهر نزدیک به یک میلیون جمعیتی غزه را تأمین می کرد بمباران کرد و تباه ساخت. چندین پل بزرگ را جهت قطع رابطه میان قسمت هایی از نوار غزه ویران کرده است و صدها تانک و بلدوزر را وارد مناطق مسکونی غزه کرده است. سربازان اسرائیل منازلی فراوان را خراب و شماری از زنان و کودکان را کشتند و از رسیدن مواد غذایی به این شهر جلوگیری می کنند در حالی که ساکنان آن شدیداً در زیر بمباران ارتش اسرائیلی به آب و نان و داور نیاز دارند.

جامعهء جهانی با تأسف تا هنوز در برابر این تجاوز ستمگرانهء ارتش اسرائیل واکنشی مناسب نشان نداده است.

چنین به نظر می رسد که اسرائیلیان این حملات را برای این به راه انداخته اند تا مردم فلسطین را برضد حکومت حماس برانگیزند. اما تحلیلگران گمان نمی کنند که این شیوهء ارتش اسرائیل در امر دست برداشتن مردم فلسطین از حماس کارگر واقع شود.



وزیر خارجه پس از بازگشت از سفرش به پاکستان:

توافق شد که هر سه ماه هیأت هایی از افغانستان و پاکستان با هم ببینند

وزیر خارجه دکتر اسپنتا روز سه شنبه ۳ سرطان به سفر دو روزه اش به پاکستان پایان داد و به کشور بازگشت.

اسپنتا در این سفر با مقامات ارشد پاکستان رئیس جمهور ژنرال مشرف و وزیر خارجه خورشید احمد قصوری و شماری دیگر از مقامات پاکستان دیدار و گفتگو کرد.

این نخستین دیدار رسمی آقای اسپنتا پس از تصدی وزارت خارجه از پاکستان است. در دیدار اسپنتا با مشرف هر دو طرف خواهان گسترش همکاری های دو کشور در نبرد بر ضد تروریسم شدند.

بحث دربارهء امنیت مرزهای دوکشور و مبارزه برضد تروریسم موضوع اساسی سفر وزیر خارجه را به پاکستان می ساخت این مسائل را با مقامات پاکستانی مطرح کرده است و آنان را اطمینان داده است که روابط خوب افغانستان با هند هرگز به زیان پاکستان نخواهد بود و گفت: "هند و پاکستان تلاش کنند که مشکلات میان خود را خود شان حل کنند".

او گفت که در این سفر به پاکستان میان مقامات دو کشور توافق شد که هر سه ماه یک بار هیأت هایی از این دو کشور با هم تشکیل جلسه بدهند و هدف از این کار رفع "سؤ تفاهمات" و تشنج هایی است که در روابط میان افغانستان و پاکستان ایجاد شده است.

این سفر آقای اسپنتا در زمانی صورت گرفته است که تبادل اتهامات و جنگ لفظی میان مقامات بلند پایهء دو کشور بالا گرفته است.

آیا این سفر آقای اسپنتا به راستی دریچه یی به سوی حل معضل مزمن افغانستان و پاکستان خواهد گشود یا تنها سفری بر سفرهای پیشین افزوده است و بس. این مساله یی است می توان [illegible]

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

دماشوم دنړیوالی ورځې په باب دځولنډو ټکویادونه

زکوخیل

په ټوله نړۍ کې دجوزا لسمه، چې دعیسوي کال دجون له لومړۍ نیټې سره سمون لري، د ماشوم دورځې په نوم نومول شوی او دځانګړو غونډو په جوړولو سره لمانځل کیږي له دود سره سم زموږ په ګران او لرغوني هیواد کې هم دا ورځ په داسې شرایطو کې لمانځل کیږي، چې دهیواد یو زیات شمیر ماشومان او دهغوی کورنۍ له دې ورځې بې خبره او په دې اړوند هیڅ ډول معلومات نه لري.

دماشوم نړیواله ورځ زموږ په هیواد کې په داسې شرایطو کې لمانځل کیږي، چې لاتراوسه دهیواد په پلازمینه کابل کې په زرګونو ماشومان له هغه اسانتیاوو څخه چې دنړیوالې ټولنې له خوا دماشوم د ودې، روغتیا، ښوونې او روزنې له پاره په پام کې نیول شو بې خبره او بې برخې دي.

زموږ په هیواد کې دماشوم ورځ په سمبولیك ډول په داسې شرایطو کې لمانځل کیږي چې ډیرې ماشومان دخپل ځان او کورنۍ له پاره ډیوې وچې ډوډۍ په هیله دښار په لارو او کوڅو کې سرګردان دي، اوبه خرڅوي، سوال او ګدایي کوي او ډیرې ماشومان ددې پرځای چې په ورکتونو او ښوونځیو کې دښوونې او روزنې لاندې ونیول شي. دښار په مختلفو برخو کې په ډول ډول درنو او شاقه کارونو بوخت دي.

په دې پوهیږو، چې دنن ورځې په ماشوم پورې دهیواد راتلونکی اړه لري، دنن ماشوم ته به په راتلونکی کې ددرنو دندو مسوولیت او دوطن او خلکو چوپړ ورپه غاړه وي.

ددې لپاره، چې زموږ هیواد او خلك په را[illegible]کی کې له ستونزو او مشکلاتو سره لاس ګریوان نه وي، اړینه اوضروري خبره ده، چې دماشوم راتلونکی ته چې دهیواد او خلکو راتلونکی ورپورې اړه لري، ژوره او دقیقه پاملرنه وشي.

په دې اړوند نه یوازې دهیواد په مرکز کابل او یا دهیواد په نورو لویوښارونو کې بلکې په ټول هیواد کې د دقیقې سروی او احصایې ترلاسه کولو وروسته، په دې باب یوه ملی سراسری او اغیزمنه ستراتیژي طرحه او په عملی ډګر کې پلې شي.

که چیرې دهیواد په سطحه داسې یو پراخ پلان او پروګرام تطبیق شي، په یقین سره ویلی شو، چې له یوې خوا به مو دوطن، خلکو او خورو ورو ماشومانو په وړاندې خپل اسلامي، تاریخي او ملي مسوولیت تر سره کړي او له بلې پلوه به مو دهیواد له ډیرې خوږیدلو او کړیدلو کورنیو سره، چې دتیرو دیرشو کالو تپل شوېو جګړو په موده کې یې بې له غمونو، رنځونو او کړاوونو بل څه نه دي په برخه شوی، داولادونو په ښوونه او روزنه کې یوه پرزره پورې او ارزښتناکه مرسته کړې وي.

اشرف غنی احمد زی:

در داخل و خارج این باور شکل می گیرد که افغانستان در حال لغزیدن به هرج و مرج است

فایننشل تایمز یکی از روز نامه های مشهور انگلیس در شمارهٔ چند روز قبل خود فشرده یی از گزارش بیش از شصت صفحه یی آقای اشرف غنی احمد زی در بارهٔ اوضاع افغانستان را به نشر سپرده است، آقای احمد زی در این مقالت گفته است که اوضاع و احوال نشان می دهد که مردم متأسفانه روز تا روز در بارهٔ وضعیت جدید بدبین می شوند. گروه های تروریستی از این بدبینی به گونهٔ یک فرصت طلایی استفاده کرده و با جسارت پیش تاخته اند. هم در سطح داخل کشور و هم در سطح بین المللی به تدریج این باور شکل می گیرد که احتمالا افغانستان در حال لغزیدن به سوی یک هرج و مرج قرار دارد.

این دیدگاه یک مشکل اساسی دارد و آن یک نکتهٔ مهم را فراموش کرده است و آن این که در افغانستان ابزارها و عناصری وجود دارد که اگر سازمان داده شود می توان به کمک آنها فرایند حرکت به سوی یک کشور با ثبات و دموکراتیک را بار دیگر ایجاد کرد. او می گوید: اگر شکست جزئی از گزینه های جامعهٔ بین المللی در افغانستان نیست باید تلاش ها در جهت بازسازی اعتماد مردم افغانستان و ایجاد خوشبینی در آنان نسبت به اینده یی درخشان صورت گیرد و تا آنان به شریکان فعال در جنگ برضد خشونت و بی نظمی تبدیل شوند.

به باور آقای احمد زی این مشکل از سه عامل ناشی شده است: ناکامی دولت در ایجاد سازگاری با بستری متحول شونده و از نفس افتادن فرایند حرکت در جهت یک برنامهٔ معتبر توسعه و استفادهٔ بی رویه دو افزار خشونت.

آقای اشرف غنی گفته است: حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان و دولت افغانستان دو انتخابی بیش در پیش ندارند: یا قاطعانه عمل کنند و نام خود را به عنوان بنیانگذاران ملتی آبرومند در تاریخ ثبت کنند یا به عنوان کسانی در تاریخ از آنان یاد شود که یک فرصت طلایی را به هدر داده اند.

اکنون فضای داخلی و منطقه یی و بین المللی نظر به سال ۲۰۰۱ که ایجاد ثبات در افغانستان را یک فریضه می دانستند تغییر کرده است. وفاق منطقه یی یا کمرنگ گردیده یا کاملاً درهم شکسته است؛ افغانستان و پاکستان به جای دست زدن به شرکتی که منافع هر دوی آنها اقتضا می کند، سرگرم مشاجره و تبادل اتهامات هستند و روسیه و هند و ایران نیز در رابطه با افغانستان پیام هایی ضد و نقیض می فرستند و هر کدام به گونهٔ جداگانه و بدون هماهنگی با دیگران عمل می کند.

با این که جامعهٔ جهانی در مورد دولت سازی در افغانستان به اتفاق نظر رسیده است، اما ساز و کارهای تازه و ضروری برای اجرای هماهنگ سازی و نظارت بر تطبیق این طرح تا هنوز وجود ندارد.

افزون بر آن چه گفته شد افکار عمومی در کشورهایی که به افغانستان نیروی نظامی فرستاده اند، نیز دربارهٔ درستی این تصمیم دچار تردید شده است. در فاصلهٔ سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵میلادی تنها پیشرفت هایی به سوی استقرار یک دولت مشروع مرکزی که به تدریج اعتماد مردم را جلب کرد، حاصل شد. اما اکنون به نظر می رسد که دولت توان بالقوهٔ حرکت در این زمینه را از دست داده است.

معادن

با افزایش فرآورده های معدنی در بازارهای جهانی، منابع مس و آهن و سنگ



مرمر و زغال افغانستان می تواند این کشور را به یک بازیگر مهم منطقه یی تبدیل کند. دولت هنوز موفق نشده است تا اتفاق نظری پیرامون یک دستور کار مشخص برای رسیدگی به چالش های کنونی ایجاد کند یا نهادهایی را بنا نماید که بتواند نیاز حکومت را در زمینهٔ برقراری قانون و امنیت و توسعهٔ اقتصادی برآورده سازد.

حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان و دولت افغانستان دو انتخابی بیش در پیش ندارند: یا قاطعانه عمل کنند و نام خود را به عنوان بنیانگذاران ملتی آبرومند در تاریخ ثبت کنند یا به عنوان کسانی در تاریخ از آنان یاد شود که یک فرصت طلایی را به هدر داده اند

توزیع کمک ها نیز به جای تقویت توانمندی های افغانستان، باعث ایجاد یک نظام موازی بوروکراتیک شده است که بسیاری از نیروهای نخبه را به جای دستگاه های دولتی به سازمان های غیر دولتی جذب می کند و این امر خود به انزجار مردم دامن زده است.

در حالی که اکثر مردم افغانستان از فقر شدید رنج می برند، گروهی کوچک از قاچاقچیان و سود جویان پول های کلانی را به دست می آرند و در حال زایل کردن اقتدار دولت هستند.

در فاصلهٔ سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵میلادی تنها پیشرفت هایی به سوی استقرار یک دولت مشروع مرکزی که به تدریج اعتماد مردم را جلب کرد، حاصل شد. اما اکنون به نظر می رسد که دولت توان بالقوهٔ حرکت در این زمینه را از دست داده است

سازمان های تروریستی از این بدبینی موجود درمیان مردم نسبت به وضع موجود به عنوان فرصتی طلایی استفاده کرده و با جسارت پیش تاخته اند.

در ضمن، خشونتی که برای مهار کردن تروریسم به کار گرفته می شود به نوبهٔ خود احساس نا امنی را درمیان مردم افزایش داده است. اما می توان این روندهای منفی را متوقف کرد، سرمایه ها و امکاناتی وجود دارد که می توان آنها را بسیج کرد.

پیش از این مجموعه یی از برنامه های توسعهٔ ملی در افغانستان به اجرا گذاشته شده است که بیانگر توانایی اجرایی و مدیریت مردم افغانستان است.

اصلاحاتی در زمینه های پولی و مالی انجام شده است که از جمله می توان به سامان دهی و جذب ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری خصوصی در زمینهٔ مخابرات و خدمات اشارات کرد.

همچنین یک برنامهٔ میان مدت از سرمایه گذاری های عمومی برای ایجاد درآمدهای کافی جهت فراهم کردن شالوده های مالی لازم برای گردانندگی امور دولت آماده شده است.

نخستین مورد استقرار نیروهای ناتو در خارج از اروپا به افغانستان مربوط می شود، نباید تردیدی در مورد حمایت جامعهٔ جهانی از این کشور باقی بگذارد.

چه باید کرد؟

شبه نظامیان قانونی

باید در مقابل خصوصی سازی تامین امنیت ـ چه از طریق شبه نظامیان یا شرکت های خصوصی ـ مقاومت کرد چرا که باعث بروز خشونت های روزمره می شود و فقط اعتماد مردم به حکومت قانون را خدشه دار می کند.

روی کرد تازه همچنین نیازمند پرهیز از تله های آشکار است. افغانستان و شرکای خارجی آن باید از متهم کردن یک دیگر دربارهٔ کاستی های موجود خود داری کنند و به یاد داشته باشند که هیچ کدام از آن ها به تنهایی قادر به برطرف کردن مشکلات نیست.

به علاوه هیچ کدام نمی تواند دست روی دست بگذارد و اجازهٔ وقوع بدترین حوادث را بدهد و آن وقت در صدد مهار اوضاع برآید.

آنها باید تعهد خود به حکومت قانون مسؤولیت پذیری را نشان دهند. آنها در درجهٔ اول باید یک دادگاه عالی تأسیس کنند که نمونهٔ استقلال باشد.

ثانیاً برای مبارزه با فساد باید کمیسیون هایی با اعضای داخلی و خارجی تشکیل دهند که قادر به تحقیق در زمینهٔ ادعاهای فساد در بالاترین سطوح و اعمال مجازات های لازم باشد.

افغانستان و پاکستان

حمایت منطقه یی از دولت افغانستان باید تجدید شود و به خصوص پاکستان باید به این نتیجه برسد که امنیت و ثبات کشورش، به امنیت و ثبات در افغانستان ارتباط مستقیم دارد. ثالثاً آنها باید در پی حکومت داری صحیح [illegible]شند.

رابعاً آنها باید فرصت هایی برابر برای نسل جوان ایجاد کنند. و آخر این که استراتژی امنیتی باید از اساس متحول شود.

عدم توازن میان بودجهٔ [illegible] از سوی جامعهٔ بین المللی باید برطرف شود: مکانیسم های تازه یی لازم است تا به مردم افغانستان برای بازسازی کشورشان نیرویی تازه بخشد.

از آنجا که کلید رفاه، در تجارت منطقه یی و سرمایه گذاری نهفته است، کشورهای حوزهٔ خلیج فارس می توانند نقش مهمی بازی کنند. هرچند استفاده از قوهٔ قهریه لازم خواهد بود، اما باید در چارچوب یک استراتژی جامع دولت سازی قرار داده شود. استراتژی مبارزه با مواد مخدر نیز باید مورد بازبینی قرار گیرد و همسویی آن با اهداف کلی کشور تضمین شود. مردم افغانستان در سال ۲۰۰۱ با آغوش باز از نیروهای خارجی کمک به امنیت و نیروهای ائتلاف استقبال کردند. با اتخاذ تدابیر درست، می توان این حس نیت را بار دیگر احیا کرد.

دولت و شرکای بین المللی آن باید با تدبیر، تعهد و نیروی ماندگار، به یافتن راه حل ها کمک کنند و تسلیم پیشگویی هایی نشوند که فقط خود شان را راضی نگه می دارد و بس.

افغانستان
بحران و فرصت های از دست رفته

وحید مژده

با گذشت یک ماه پس از واقعهء خونین هشت جوزا، تبعات منفی آن هنوز بر اذهان سنگینی می کند. این واقعه واقعیتی را به نمایش گذاشت که از قبل مشهود بود اما به آن توجه نمی شد. مردم از آنچه که در طول بیش از چهارونیم سال گذشت، راضی نیستند.

در طول این سالها، مجاهدین به نام های مختلف کوبیده شدند. در مودبانه ترین برخورد ها، کسانی که مدعی بودند با انصاف و نه از روی تعصب قضاوت می کنند مجاهدین را فاقد درایتی می دانستند که برای ساختن یک دولت لازم بود.

بزرگان علم سیاست با اندوخته های فراوان علمی(!) از دیار غربت تشریف آوردند تا مدینهء فاضله یی را که مجاهدین از ساختنش عاجز بودند، برروی خرابه های دولت اسلامی مجاهدین و امارت اسلامی طالبان بنا نهند. جامعهء جهانی با پول و سرباز و سلاح به مدد آنان آمد تا افغانستان از روند جهانی شدن به دور نماند.

برای این که در سطح جهانی این دولت کسب مشروعیت نماید، انتخابات صورت گرفت. همه می دانیم که انتخابات ریاست جمهوری و به دنبال آن انتخابات پارلمانی تا کدام حد با معیار های دموکراتیک سرسازش داشت اما همه بنا براین مصلحت که کرزی از حمایت جامعهء جهانی برخوردار است، به خواست این جامعه که تعریف دقیقی از آن نیز دشوار است گردن نهادند.

این حکومت برای تلقین مشروعیت خود بر اذهان مردم، راه را در کوبیدن مجاهدین یافت. اما دریغا که خودش با همهء حمایت های اقتصادی نظامی و سیاسی در سطح بین المللی، داد وفریادش از دست پاکستان گوش فلک را کر کرده است. این همان پاکستانی است که در دوران حکومت مجاهدین با دست باز و بدون هیچگونه انتقادی در سطح بین المللی، به آتش جنگ در افغانستان هیزم می ریخت. در آن زمان نه آیسافی وجود داشت و نه از ناتو خبری بود ونه از میلیارد ها دلار کمک جامعهء جهانی. چگونه است که در دوران حکومت مجاهدین، در برابر مداخلات پاکستان تنها مجاهدین مقصر بودند که با هم جنگیدند اما امروز فقط پاکستان مقصر است؟

در طول چهارده سال دوران جهاد، دنیای آزاد به مجاهدین چیزی در حدود ده میلیارد دلار کمک کرد که از آن در بخش های نظامی، تعلیم، صحت و کمک به مهاجرین استفاده شد و بخشی از آن را نیز پاکستانی ها تصاحب کردند. اما به [illegible]

اتحاد شوروی و آزادی اروپای شرقی دارای نقش واثر انکار ناپذیر بود. این کمک ده میلیارد دلاری به افغانها، روی اقتصاد پاکستان نیز تأثیر بسیار مثبت از خود برجا نهاد و بخصوص روی اقتصاد مردم ایالت سرحد پاکستان این تأثیر بسیار مشخص تر و ملموس تر بود.

طبق آمار ها در طول چهارونیم سال گذشته بیش از ده میلیارد دلار به افغانستان کمک شد اما این کمک ها تأثیر مثبت روی زندگی مردم افغانستان از خود برجا ننهاد. دولت در طول سه سال اول، مورد نوازش خاص دنیای غرب قرار داشت اما نتوانست از آن بهره یی ببرد. در حقیقت این دولت بخش مهمی از نیروی خود را در تضعیف رقبای سیاسی به کار بست که در نهایت به تضعیف خودش و ایجاد بحران در کشور انجامید.

غنی این گزارش را با کدام انگیزه نوشته است، مسألهء جداست اما به هرحال حرف وی به عنوان کسی که در ابتدا شامل تیم کاری کرزی بود، قابل دقت و اندیشه است. اما با وجود همهء این دلایل، دولت در تلاش است تا هر حرکتی را نه ناشی از ضعف خودش بلکه ناشی از دسایس رقبای سیاسی وانمود نماید.

حتی در همین واقعهء هشت جوزا تلاش دولت این بود تا نشان دهد آنچه که به وقوع پیوست، عملی از قبل طرح ریزی شده از جانب رقبا برای تضعیف دولت بوده است. در این رابطه به شخصیت هایی نیز اشاره شده است.

اما بعضی ها روایتی دیگری از این جریان دارند. در هشت جوزا زمانی که تظاهر کنندگان جلوی پارلمان اجتماع کردند، رئیس و

این ترتیب جایی برای جلسات پارلمان باقی نماند و آقای کرزی از شر این پارلمان مزاحم رهائی یابد.

اکنون غرب هم احساس کرده است که بحرانی گسترده دامنگیر این کشور است و درک کرده است که دولت افغانستان فاقد تدبیر لازم و مدیریت قدرتمندی است که یک کشور بیرون آمده از بحران را باید از رفتن به کام بحرانی دیگر باز می دارد.

پس از هشت جوزا رسانه های غربی سخن را از ناکارگی دولت کرزی آغاز کردند و به این حقیقت اعتراف نمودند که کار بازسازی در افغانستان در نیمه راه مانده است.

دولت نیز بی کار ننشست. آقای رهین سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ و جوانان و توریزم طی یک کنفرانس مطبوعاتی، همه ادعا ها را

دست آورد این دولت در مقایسه با دولت مجاهدین در چیست؟ همین دو روز قبل بود که رئیس دفتر یوناما در کابل گفت که فساد اداری در افغانستان به حدی رسیده که بیم آن می رود دست آورد های چهارونیم سال گذشته یکسره به باد فنا برود

دست آورد این دولت در مقایسه با دولت مجاهدین در چیست؟ همین دو روز قبل بود که رئیس دفتر یوناما در کابل گفت که فساد اداری در افغانستان به حدی رسیده که بیم آن می رود دست آورد های چهارونیم سال گذشته یکسره به باد فنا برود. این در حالی است که در کنفرانس لندن بخصوص روی اصلاح ادارات دولتی تأکید صورت گرفت. وی افزود که یکی از دلایل ناامنی ها در افغانستان می تواند همین فساد

جمعی از وکلاء از مظاهره چیان خواستند تا نمایندگان شان را غرض مذاکره به پارلمان بفرستند.

در جریان صحبت آقای قانونی با نمایندگان مظاهره چیان، افراد امنیت به پارلمان آمدند و ظاهرا از جانب رئیس جمهور دستور داشتند تا این این افراد را به عنوان رهبران آشوب دستگیر سازند. وکلای حاضر در پارلمان با این کار مخالفت کردند و در مورد عواقب آن که می توانست موجب تحریک خشم

بیجا خواند و فرمود که این سخنان دور از حقیقت است.

اما شبکهء تلویزیونی ABC امریکا طی گزارشی افرادی از خانوادهء آقای کرزی را به دست داشتن در قاچاق مواد مخدر متهم کرد. این در حالی است که خود آقای کرزی در هر گردهمایی و محفلی، از رابطهء تنگاتنگ میان قاچاقچیان مواد مخدر و تروریسم سخن می گویند.

امروز همه از فرصت های طلایی از دست رفته در طول چهارونیم سال گذشته برای افغانستان سخن می گویند اما بخش بزرگی از تاریخ این کشور مشحون از فرصت های از دست رفته است...

اداری باشد.

روزنامهء واشنگتن پوست دریکی از شماره های اخیر خویش در رابطه به افغانستان مقاله یی نوشته و فساد اداری را معضلهء مهم دولت کرزی دانسته است. در این مقاله آمده است که پوست های مهم دولتی در افغانستان در معرض خرید و فروش قرار می گیرد. جالب این است که چنین اتهامی در طول تاریخ به هیچ دولتی از جمله دولت های مجاهدین و طالبان وارد نشده بود.پ

آقای اشرف غنی احمد زی هم در نوشته یی گزارش گونه، به ریشه های بحران در کشور پرداخته و آن را نتیجهء مستقیم ضعف دولت کرزی و بی کفایتی اطرافیان وی [illegible]

مظاهره چیان که در خارج از پارلمان اجتماع کرده بودند، علیه پارلمان گردد، هوشدار دادند اما مسئولان امنیت اصرار به دستگیری داشتند. ممانعت بعضی از وکلای پارلمان موجب شد نمایندگان مظاهره چیان دستگیر نگردند وبه همین دلیل ریاست امنیت ادعا دارد که در این تظاهرات بعضی از وکلای پارلمان نیز دست داشته اند.

اما جمعی از وکلا به این باورند که در شرایطی که پلیس در منطقه حضور نداشت، جمعی از موظفین انگشت شمار امنیت می خواستند نمایندگان مظاهره چیان را که غرض مذاکره به داخل پارلمان آمده بودند، دستگیر و با خود ببرند تا مظاهره چیان به پارلمان حمله نموده و آن را به آتش بکشند. به

جمعی از آگاهان در امور سیاسی، شرکت آقای کرزی در کنفرانس شانگهای را با دیدی متفاوت می نگرند و مدعی اند که کرزی شکوه و نارضایتی خود از دوستان غربی را با روسای جمهور چین و روسیه در میان نهاده و اکنون به جرم پا از گلیم بیرون نهادن، مورد بی مهری رسانه های خبری در امریکا قرار گرفته است.

دولت تلاش بسیار دارد تا ناامنی ها و جنگ ها در کشور ناشی از شکست بازسازی خوانده نشود. آمار و ارقامی که دولت ارائه می دهد به شکل حیرت آوری نمایانگر رشد عاید سرانه در افغانستان است. چیزی که اکثریت مردم این کشور آن را احساس نمی کنند.

برای من بسیار جالب بود که در برنامهء گفتمان در طلوع شنیدم که آقای انوار الحق احدی شکوه از این داشت که سایر شرکت کنندگان گفتمان وارد در مسایل اقتصادی نیستند و به همین دلیل، گستره و ابعاد بازسازی در افغانستان را که به شکل ازدیاد عاید ناخالص ملی به منصهء ظهور رسیده، درک نمی کنند. ایشان از ساختن جاده ها در افغانستان و ساختن یک جامعهء دموکراتیک به عنوان مثالهای روشن از بازسازی سخن گفتند.

در بحث اقتصادی باید گفت که سکتور مواصلات بخصوص ساختن جاده از جمله سکتور های زیر بنایی تورم زا و دیر ثمر است. به شکل تشبیه می توان گفت مانند دارویی است که عوارض جانبی خطرناک دارد و برای رفع این عوارض جانبی لازم است تا ویتامینی همراه با آن تجویز گردد تا موجب کاهش خطرات ناشی از عوارض جانبی گردد.

جاده سازی موجب خلق عاید می گردد اما آنچه که تولید می شود قابل عرضهء فوری به بازار نیست. مطابق قوانین اقتصاد، میان پول و جنس در هر اقتصاد رابطهء مستقیم وجود دارد و تمام مقدار پولی که در یک اقتصاد در دوران است، تمام مقدار جنسی را که به بازار عرضه شده است می خرد. حالا اگر عایدی از راهی که دیر ثمر است در اقتصاد خلق گردد، و در مقابل سکتور های تولیدی زود ثمر که با تولید اجناس، رابطه میان پول و جنس را در اقتصاد تعادل می بخشند وجود نداشته باشد یا به آن توجهی نشود، حاصل کار آن خواهد شد که عاید خلق شده، اما تولید اجناس مصرفی همگام با آن رشد نکرده است. حاصل این حالت انفلاسیون یا تورم پولی است که کسانی را که عاید ثابت دارند در قدم اول متأثر می سازد. بنابراین چنین ویتامینی همراه با آن دارو کاملا لازمی است.

عدم وجود تولیدات داخلی موجب می گردد تا کمبود از طریق واردات از خارج جبران شود. اگر دولت متعهد به اجرای سیاست حمایتی خاصی در برابر مولدین نوپای داخلی نباشد، با ورود اجناس خارجی، مولدین داخلی خساره مند گردیده و در نتیجه سرمایه گذاری داخلی کمتر شده و بی کاری نیز در کشور بیشتر می شود. بنابراین آنچه که ما آن را بازسازی می پنداریم، اگر به صورت درست برنامه ریزی نشود، ممکن است تأثیرات منفی به بار آورد.

این که بیشترین کمک های جامعهء جهانی در قدم اول در ساختن جاده ها متمرکز شده است، بیش از این که دلایل اقتصادی داشته باشد، دلایل نظامی از آن متصور است و به همین دلیل به تأثیرات جانبی منفی آن توجهی نمی شود.

امروز همه از فرصت های طلایی از دست رفته در طول چهارونیم سال گذشته برای افغانستان سخن می گویند اما بخش بزرگی از تاریخ این کشور مشحون از فرصت های از دست رفته است.

بـــرای مـــرگ آزادی

اسحاق فایز

به نظر من، برای تجلیل از مردی بزرگ، شعری بزرگ باید نوشت. "آزادی" یکی از مردان بزرگی بود که با مرگش کشور من بی سالار ماند. این شعر بزرگ برای او سروده شده بود. درکنکور ادبی "بنیاد شهید احمد شاه مسعود" ارایه شد. داوران آمدند، دور میزی نشستند صفحه، اولش را خواندند، بعد چند سطری از آخر و بعد مدال ها را برای خویش قسمت کردند. باید چنین می شد زیرا مگر در کشور من داور و قاضی مانده است؟

چشم بگشای و ببین !
کوه،
این کوه نشسته به غمی
بس سنگین
داده چمپاتمه بر سینهٔ این وسوسه ها :
نکند دامن این تیره
- تیر ه همچون دل قیرینهٔ شب-
باز هموار شود تا به فراسوی جهان ،
این جهانی که به من پشت نموده است کنون
چشم بگشا ی و ببین !
وقتی از راه به بیراهه شدم
به سر ا شیبیی این وهم غبار آگین باز،
من در آن روشنیی مردمک چشمانت
خویش را می یابم
مثل آیینه که وقتیست موازی به خودش
دست برشانه خود می ماند
ودر آفاق
و در لایتناهی آنسوی
که بجز از" او" کس نیست
می نماید خودرا
آنچنانی که تهی گشته و در سوگ عظیم
روح آزدهٔ خود می جوید.
چشم بگشای ،
وجرس های خموشا نهٔ این نیم رهان را بشنو

که چگونه
وچسان
آن گشن شاخ درخت" فر" را
وانهادند رها در وزش باد سموم
و ندیدند حتا یک لحظه
به قفایی که چنان با تمکین
راه راآمده بودند بسی پر دشوار
آنچنانی که خدا بر همه اش می نازد
و چنین خوار سپردیمش
به حیف.
چشم بگشای ،
باغ نیلوفریی شب ر ابین
گشته پر بتهٔ نیلوفر، بابرگ سیاه
و گلان تیره
نشکفته،
مرگ را
- مرگ هرچیز که درخطهٔغم گسترمن
سبز روییده کنون -
غمگسارانه مر اثی خوانند .
خیل سرگشتهٔ من ،
لای بادیهٔ پیداو نهان
به سر سینهٔ این وادیی تفتان و تموز
توسن وسوسه را می رانند .
آی ای داعیهٔ دار!
درموازات غمی بس سنگین
دستهایت
می نمایند آیا
، وسعت آن همه گی داغ که بود
سبز بر پیشانیم ؟

(۲)

روزنی نور افشان
میگشایم شب را
تا به تاریکی پیگیر و بسی وهم اندود
دست سنگین شفق را گیرم
می توانم یانه ؟
- من در این آیینه گی ها پیرم.
مشنوی! آی چنین بر دم حاضر نگران
که در این خلصهٔ دق
پای نارفته به ره ، زنجیرم ؟
وقتی از چلچله ها می گفتم
غم تو، کوچ هزاران پرو پابستهٔ این قافلهٔ حیران بود
که چسان در تهٔ این نیلی آغشته به خون و آتش
باز پرواز کنند این ره باز آمده را .
وقتی از چلچله ها می گفتم
غم تو وحشت این قافله بود
آن گا هی
که به یلغار و هجوم گلهٔ از دزدان
بسپارند به ناگه زمام
و بخسپند دراین واهمهٔ ننگ آلود
وتواز آیینه نتوانی باز
گشته یکباره جدا
بنمایی که چه سان
موج در موج همه دریارا
خشم آلود
به دم پای هیولای چنان غول آسا
مثل یک صاعقه خنجر بکشی .
وقتی از قصه بشکوه هزاران شب پارینه سخن می گفتم
دست تو قبضهٔ سنگین مسلسل ها را
می نوازید چنان
که ز پندارمن از میلهٔ غران هزاران برنو
ذلت هرچه سیه بود
- سیه از دل شب -
از سراپای ضمیرم می راند .
وقتی از مخمصهٔ یورش،بر قعر سپاه شب پر
فتنه سخن می گفتند
تو چنان هیمنهٔ فتح هزاران لشکر
شاد می خندیدی
آنچنانیکه نفس های پر از هیجا نت
زنده می کرد همه وسعت دریا ها را
و من از شرم میان تبه آلوده ترین پندارم
که چرا ترسیدم
ترس خود می بلعیدم خاموش .
وقتی در دمدمهٔ غصهٔخود شامگهان
می هراسیدم از آن فاجعهٔ خونین دم
توفرامی شدی و در نفس شام تباه
هیبت گام خودت می کشتی
آنچنانیکه زمین های پراز غنچه ترین دشت بهار
سبز می گشت فرا راه همه
و همه مثل پرستوهایی
گشته آ زادز چنگال بد شاهینی
زنده گی را پر رنگینی
وشادابی
می دیدیم.

(۳)

وقتی از قصهٔ بشکوه هزاران شب پارینه سخن می گفتم
ماه رقصید درون نگه ی آرامم
و دوتا چلچله بر چنبرهٔ دستانم
آشیان بگزیدند
وقتی من زنجره آسا به فغان افتیدم
باز گفتند از آن یار سفر کرده ، با اندوه
این دو سه پیغامم:
سخت بندید کمر
که دراز است ره مقصد و دانم افسوس
راه پر چاله ودشوار وخطر بسیار است
حفره بسیار و زهر حفره برون صد مار است
آی یاران! دگر باره" کمر باید بست !
آسما ن تاریک است
دست بر ماشه ستاده است قراول بیدار
چکمه اش خون هزاران دل پامال و لگد کوب
وطن را دارد
وقتی از بادیه های همه جا خفته هزاران انسان
رایت ننگ خودش را بکشانید اینسوی
خار بر دامنش انباشته و گویی او
میشود بر سر ابر و به زمین من و تو
تخم آن خار تبه را به زمین می کارد
ای دریغا که رفیقان زده اند جام سکوت
و این چنین بر ره فردا
فتاده ستند مست .
باید از نو سفر ی آغازید
هفتخوان دگری در راه است .
قفل افتاده چنین بر زنجیر
قفل دیگر به در درگاه است.
شاهد معرکه میخواند چنین آوازی .
باز باید کمر کوه شود خانهٔ من
دست آهنگر دنیاچکشی آورده است .
داس ها مان درویدند و شدستیم خرمن
حالیا باید زود
فرق هار ا به چکش کوب بگیریم به زیر
یا که باید چکش کهنهٔ آهنگر این دوران را
مشت کوبیم و با فرقم خونین ، فردا
مثل ابریشم و آیینه و بیداد" شمال"
آب سازیم تمام
فتنه باریده دگر باره و خواهد از خون
بر ره و کوچه بسازند حمام
وای آن بال که در او نبود پروازی .
ای نیستانی ها !
من از آن نای شمارا همه افتیده خموش
باز می خوانم
از مولانا :
" از نیستان تا مرا ببریده اند
ازنفیرم مرد و زن نالیده اند"
باز هم می خوانم :

"هرکسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش"
- باز جویید
روزگار
وصل خویش!
باز جویید
رزوگار
وصل
خویش!
وای وای گر به نفیر خوش این نای
[illegible] سازی.
یاد [illegible] قله نشین گر برود
درد تن سوز رسیدن به ستیغ
باید از قله به زیرش بکشید
عاشق آن نیست که در عشق کند خویش دریغ
گر چنین کرد به فتوای دو پروانهٔ باغ
باد سان در تف این بادیه ها
سوخت جانش باید
و میان همهٔ درد خدا
تاسر عرش نفیرش بکشید
که سزوار بود پیگر بی مایهٔ او
در چنان ذلت
و آنسان خواری.
ننگ بر او که بود همره غارتگر ما
یاور و انبازی .
آی آی نامردان

مرده شوی تان ببرد
تا میان عفن وزشت و پلید مرداب
نعش بی ننگ شما درلجنی
پاک کند
سینهٔتان بدرد با لب شمشیر، کسی
تا که دل های شما
آن قفس های تپان و پر خون
خالی از قطره ای از عشق و نجابت
مثل جان عطش آلود کویری
بی آب
بی نفس چاک کند.
دل مردابی مزدور ندارد هیهات
تا دم محشر موعود خدا وند سرو افرازی .
قدسیان! معرکه هارابه سراپرده خورشید برید
!
خاکیان ،
این همه گی خاکیی بی داعیه را
بر سراپرده پر عصمت گل راهی نیست.
خسته اند، ذله و ره برده به ترکستان اند
به گمان شان که دگر بر سر ره چاهی نیست
آفریدون! ز البرز ضحاک آمده است !
برگ را باید خواند
" تاک " ، این مایهٔ شیرین دل خاک سیاه
مثل دوزخ که زمینی شود و هیئات خود بنماید
عقل درماندهٔ این ره زده گان را برده است.
شور، این رایحهٔ فصل گریزان زهمه هول و
هراس
لای تندور شرر گستر آتش،
خاموش
مثل آیینهٔ دستان سپیدار و بلوط
بی رمق،
افسرده است .
پنجه اش پاک به این خامهٔاز دست رها کردهٔ
من می ماند.
دل آیینه نیرزد دگرا
هیچ با رونق مغشوش گل زنگاری
هیچ تصویر نخواهد بیند
خویش را ساکت،
مغموم وخموش
در میان شب آ یینه پریش
این چنین دست نهاده به زنخ
با خواری
دل آیینه به سیمای غم اندوده من می ماند .
(۴)
ره کور و سخت راه
اینک گذر کهان همه گی ساکت و خموش
با راهیان خسته و درمانده ودودل
با کوله بار ها و رمق های بی شفق
ما مانده ایم تا به کجا سررسد سفر.
ما مانده ایم تا چه زمانی دراین میان
از نای یک سپیده بگوییم :
آ وه خطر، خطر !
سیماب سیمرنگ پگاهی خدای من
نادیده
کور شد
وآن ماه هم، نیمه رهان بودو شام گاه
خونین شدو دراواخ فرو رفت در محاق
ما مانده ایم و سینهٔ این دوزخ سیاه
با داهیان ، قامت خم، زیر بار یوغ .
ما مانده ایم و این همه ابحار انجماد
با حسرت کبود
مانندآشیانهٔ آتش که شب کهان
اتراق کاروان گذر کرده ماند ه است
پنهان، لمیده در نفس گرم خویشتن
بی ساربان
سرور و سردار و بی سپاه
با پای های سست وزره مانده خوفناک
شش سوی گرد ما شده ژرفای پرتگاه .
دیشب عقاب قله، پرواز کرد و رفت
پرواز کرد، تا به افق نیست گفت لیک
آهای هیچ راه!)
برخاستم خسته و مالنده چشم را
با زخمهٔ شتاب
جولان کشیده تا به افقهای دوردست
از راهیان نخفته کسی گفت :
جان من !
کو آن افق که روزنه باشد بگوی
کو
کو ، کو،بگوپگاه ؟
چشمان خویش بستم و خفتم پر اضطراب .
آوار ه ام کنون
چون سالیان هول و پر از سرخ رنگ دی
بی آنکه آبهای ستم زآسیاب ها
باشند ریخته
در جوی آسیا.
گویی که قصه گوی کهن سال زنده گی
می خواند او به گوش من از پاس بار بار .
تاخواب همچنان ببرد" مردم" مرا
می گرید همچنان به سرم
زار
زار
زار
من همچنان به قصهٔ مرموز او به گوش .
آهای عابران !
اینگونه در سیاهی و بی هیچ روشنا
بیغوله های وهم
جویید ازچه ره
از یاد تان شده است که آن شیخ گفته بود
بی روشنان سفر نرویدا هیچ گاه
آنهم سفر میانهٔ این دوزخ سیاه .
دره گذارباد
نیلوفران آبیی دستان خویش را
کشت از چه می کنید ؟
از یاد برده اید که دستان تیره گی
این کشت وهم را
با داس مدرود؟
از یاد برده اید که این پیر باغبان
در منحنیی رایحه های سپاه شب
همسان" دیو یاغی کور زمان" مان
مرموز می دود
آخر شب وسیاهی ودیوان عالمی
از یک عصاره اند !
آهای های های!
آیا نسیم بی جرس این کرانه ها
راه رهایی هیچ نمی یابند
ازاین عقوبت بد سرگردان ؟
آهای های های !
آیا میان برکه نمی روید
باغ درخت کاج و سپیداران
زان جویبار خون شقایق جان ؟
آهای های های!
ره رفته گان وادیی پر فیض و سبز عشق
من در نماز خویش نیت دارم
تا سوره ای برای خدا خوانم
وقتی که نیمه شب بروم از خود÷
در سجده گاه شعر و تغزل ها
یک بیت را چنان دعا خوانم
تا در نماز های شبانگاهیم
تندیسه های قد شما روید .
آهای های های!
خاک از چه، سوزناک
گردیده این چنین
در زیر پای من
نبض دل کدام شهیدی، آه آه
سنگین و رازناک
می موید این صدای پریشان وتلخ را
برراه و رای من
کاینسان کشد بلند مرا تا بلند ها
تا عرش
تا بارگاه خالق آزادی !
شب با تمام وحشت آن زیر پای مهر
زر بار میشود .
(۵)
آهای های های !
ره رفته گان وادیی پر فیض و سبز عشق
من در نیاز خویش نیت دارم
که این التجای سبز بگویم باز
زنبور ها اگر عسل خویش خورده اند
از قحط شهد نیست
زانست که دست نامیی انسان نمیرود
تا عنگبین زلانهٔ زنبور برکشد
وقتی از این عصاره چشیدیگاه صبح
- خوناب مهر را -
یادی هم آورید
از همرهان تان
زان همرهان راهیی در روز های بد
آن همرهان که دره بی بازگشت خویش
بیش از تمام تان
پیش از تمام تان
بر پای عهد بستهٔ خود جان سپرده اند
آن راهیان عاشق صدره بزرگ را
کزخون خویش خط بکشیدند راه را
تا نیمه ره ستاره و مه را نه بنگرید
مانند آن شبان که میان بلای شب
ره گم شده است و گوش به بانگ ستاره است
با بره های ساکت و حیران خویشتن .
هان ای ستاد های بلند و رفیع خاک
ما تشنه در کویر روانیم تا کجا
وقتی طلایه ها خبر از دشمن آورند :
بسته میان ودشنه به کف، ایستاده گی
تا بر شما زنند شبیخون دیگری
شمشیر تان کجاست ؟
برنو کجاست، دشنه و سیلابه ها کجاست ؟
این بار بر جبین شما داغ می زنند
تادر صحرایی که جدا داغ کرده اند
مانند برده ها
آسان شوید بستهٔ مسمار های قرن
این ننگ را چگونه بریم آخر !؟
(۶)
دیگر نمی شود
باید پلاس خویش کشید از میانه ها
زیرا که از عقیم ترین ابر
این ابر های تشنه تر از دامن کویر
کی میشود که بارید
بارید و جوی شد
بارید و رود شد
رویاند باغ و بیشه و جنگل
سبز
سبز
چون نوبهار ها
زیرا که هیچ گاه
با بته های کاغذیی گل به دشت شور
بیروح زنده گی
شورو ترانه سر نکشد از هزار ها
باید برای آمدن سال روشنی
با آرزو نشست
باید برای آمدن سال روشنی
در آرزو نشست.

بهار ۱۳۸۴
کابل

هندیه دختر شاه امان الله خان در کابل

واقف حکیمی

هندیه در این روزها به کابل آمده است. هندیه کوچکترین دختر شاه امان الله است. وی در سال ۱۳۰۸خورشیدی زمانی که شاه امان الله در اثر قیام مردم، کشور را ترک گفته بود و از راه هند می خواست به اروپا برود در هند به دنیا آمد و از این روی ا و را هندیه خواندند.

هندیه دختر ملکهء ثریا زن محبوب امان الله خان و دختر محمود طرزی، نخستین نماد زن متجدد افغانستان است.

برخی از نهادها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی از هندیه به عنوان یکی از پیشتازان نهضت زنان در افغانستان استقبال کردند، اما جامعهء زنان افغانستان تا چند سال پیشتر از امروز از وی نامی هم نمی دانست و شاید اعطای این القاب سخاوتمندانه از سوی این مؤسسات و نهادها بیشتر به پاس نقش مادر و پدر هندیه ملکه ثریا و شاه امان الله و به تعبیر درست تر بانی نهضت غرب گرایی زنان در افغانستان باشد تا نقش بالفعل شخص او. نقش ملکه ثریا که هندیه هم در برخی از سخنانش بدان اشارت هایی کرده است.

تجدد گرایی آمیخته با غرب زدگی در عهد امانی به شدتی تمام اوج گرفت چنان که برخی از نویسندگان عهد او را عهد آغاز این جریان فکری اجتماعی دانسته اند.

امان الله، شاه تجدد خواهی که از یک خانوادهء استبدادی و سنتی پادشاهی افغانستان برخاسته بود. شاه امان الله خان بی تردید شخصیتی دارای ابعادی متناقض و متضاد است در او رگه هایی از استقلال طلبی و تبعیت از دیگران، اسلام خواهی و اسلام ستیزی و... در آمیخته است. بی تردید او می خواست افغانستان را به مثابهء یک کشور مترقی و پیشرفته در زمان زمامداری اش ببیند. اما او به نیت خوب، سوراخ دعا را گم کرده بود.

او برای پیشرفت تنها یک الگو داشت بی هیچ تفاوتی راه طی شدهء غرب را طی کردن، در شکل و محتوی و در ظاهر و باطن، و به پیشرفت زنان هم از این دیدگاه می نگریست.

به همین دلیل کراوات زدن به گردن مردان و شاپو گزاردن بر سر آنان و برقع برداشتن از روی زنان افغانستان را شرط تجدد و تمدن می دانست. لهذا این نمادها را بر مردان و زنان اجباری کرد. به همهء نمایندگان لویه جرگهء پغمان در ۱۳۰۷ کراوات و شاپو وشلوار و کت اروپایی پوشانید



برخی از نهادها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی از هندیه به عنوان یکی از پیشتازان نهضت زنان در افغانستان استقبال کردند، اما جامعهء زنان افغانستان تا چند سال پیشتر از امروز از وی نامی هم نمی دانست

و به رسم بریدن با سنت های جامعه و پیوستن به رکب تمدن برقع از روی ملکه ثریا برداشت و دسته هایی از دختران افغانستان را با دامن های کوتاه و ساق های برهنه و سرهای لخت و گریبان های بوزده

جهت تحصیل به کشور ترکیه کمالی فرستاد.

کسانی منصفانه امروز به تصاویری از این نمایشنامه ها نگاه می کنند از این دُورها و تحولات سالیان دراز به عقل امان الله خان پادشاه و تئوری پردازان دستگاه او می خندند چه رسد به کسانی که در آن زمانه شاهدان عینی این صحنه های خنده آور بودند.

شاه امان الله با این عملکردهای ناشیانه اش نه تنها گامی پیش در جهت مدرنیته در کشور برنداشت که روند تجدد گرایی راستین و شناخت عوامل بنیادین آن را نیز سد کرد و افغانستان را از طی کردن مسیر طبیعی در جهت تمدن و فرهنگ معاصر جهان محروم گردانید.

البته از دید ما امروز نیز غریب به نظر نمی آید که وقتی خانم هندیه پس از نزدیک به یک قرن به کشور آبایی اش باز می گردد و می بیند که وضعیت زنان آن از زمان پدرش چندان تغییری نکرده و تأسف می خورد. به یقین تا هنوز هم در کشورما و در بسیاری از کشورهای دیگر اسلامی کسانی هستند که مدرنیته و تجدد را به گونهء امان الله خانی می بینند ولی آن چه بسیار مسلم است این است دیگر این طرز فکر، دیدگاه حاکم و مسلط بر جوامع اسلامی در زمینهء تمدن و تجدد نیست بلکه تجدد و مدرنیته و از جمله نهضت زنان را به گونه یی می بینند که در آن ارزش های اصیل انسانی با عوامل راستین تمدن زا جمع می شود نه بدان از دید امانی می بینند و نه هم از دید متحجران دوران او.

امروز بسیاری از متفکران راستین در کشورهای اسلامی برای پیشرفت جامعه بر حضور زنان در آن و تحصیل و آموزش آنان تأکید می ورزند و ساختن جامعهء مرفه و متمدن را بدون تربیت زنان متمدن و تحصیلکرده ناممکن می انگارند و تحصیل آنان را واجب دینی، اما باور دارند که این کارها را بدون کشف سر و و ساق و گردن و سینه و بو زدن بر گریبان آنان می شود انجام داد، کاری که امان الله خان آن را در نهضت زنان و حضور زنان در جامعه مقدم بر تحصیل و آموزش می دانست و یا لااقل آن را از لوازم لاینفک آن می پنداشت.

پرداختن به نقد و بررسی مدرنیته و تجدد در عهد امانی به بحثی جداگانه و فرصتی دیگر نیاز دارد تا همه پهلوهای مثبت و منفی آن شگافته شود ما اکنون تنها به تذکری اکتفا کردیم.

امروز بسیاری از متفکران راستین در کشورهای اسلامی برای پیشرفت جامعه بر حضور زنان در آن و تحصیل و آموزش آنان تأکید می ورزند و ساختن جامعهء مرفه و متمدن را بدون تربیت زنان متمدن و تحصیلکرده ناممکن می انگارند و تحصیل آنان را واجب دینی، اما باور دارند که این کارها را بدون کشف سر و و ساق و گردن و سینه و بو زدن بر گریبان آنان می شود انجام داد، کاری که امان الله خان آن را در نهضت زنان و حضور زنان در جامعه مقدم بر تحصیل و آموزش می دانست

سومالی کشوری اسلامی است ...

امریکا ، اویس را که به عنوان رهبر شورای قانونگذاری جدید معرفی شده، به داشتن رابطه با القاعده متهم کرده است. ادعایی که اویس آن را به شدت رد می کند.

همکاران اویس گفته اند خواهان دولتی به سبک طالبان نیستند. یک سخنگوی دولت امریکا گفت: واشنگتن منتظر می ماند تا ببیند دولت جدید چه رابطه یی با جامعهء بین المللی خواهد داشت.

گروه اسلامی اویس قرار است ماه آیندهء میلادی با دولت ضعیف مؤقت سومالی مذاکره کند. عبدالله یوسف رئیس جمهور موقت ظاهرا با اسلام سیاسی به شدت مخالف است. گروه اویس و یوسف هفتهء گذشته موافقت کردند با یکدیگر نجنگند. سومالی در ۱۵ سال گذشته دولت

کنفرانس "کنترل سلاح‌های سبک" کارش را آغاز کرد

:کوفی عنان

دولت‌ها باید برای در امان بودن ذخایر سلاح‌های سبک‌شان تلاش کنند

کنفرانس سلاح‌های سبک سازمان ملل با درخواست از رهبران جهان برای توافق با ریشه کن کردن تجارت غیر قانونی اسلحه آغاز به کار کرد. روزانه هزار تن بر اثر تجارت غیر قانونی تسلیحات در جهان کشته می‌شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل، در مراسم افتتاحیهء کنفرانس سلاح‌های سبک سازمان ملل اظهار داشت: این تسلیحات شاید سبک باشند اما باعث تخریب سنگین می‌شوند.

پیش از آن که مراسم افتتاحیهٔ کنفرانس برگزار شود، فعالان مخالف تجارت تسلیحات سبک، بزرگترین عریضهٔ تصویری جهان را به کوفی عنان ارایه کردند. در این تابلوی بزرگ، عکس یک میلیون تن از ۱۶۰ کشور جهان نقش بسته بود.

در این عریضه از کشورهای عضو سازمان ملل خواسته شده بود که بر سر ایجاد یکسری قانون و مقررات بین المللی در جهت کاهش سالیانه یک میلیاد دلار تجارت غیر قانونی اسلحهء سبک با یکدیگر مذاکره کنند. کارشناسان تسلیحاتی تعداد اسلحه‌های سبکی که به طور غیر قانونی در گردش هست را ۶۴۰ میلیون تخمین زده‌اند.

در همین حال، دبیرکل عفو بین الملل گفت: اشاعهٔ تسلیحات باعث تسریع و تسهیل وقوع بدترین تراژدی‌ها در زمینهٔ حقوق بشر نظیر قتل عام، آوارگی‌های دسته جمعی، شکنجه و بدرفتاری شده است.

وی افزود: با وجود این فروش و نقل و انتقال اسلحهء سبک هم‌چنان از سوی ناقضان حقوق بشر ادامه دارد و آنها به لطف دوره‌یی از انفعال ما در این راه با موانعی رو به رو نیستند.

کوفی عنان هم به نمایندگان حاضر در کنفرانس اسلحهء سبک سازمان ملل که به مدت دو هفته به فعالیت خود ادامه خواهد داد، گفت: برنامه یی که پنج سال پیش از سوی اعضای سازمان به منظور کنترل تسلیحات سبک ارایه شد پیشرفت‌های چشمگیری را به ارمغان آورده است.

کنفرانس سازمان ملل خشم و نارضایتی اعضای انجمن ملی تفنگ آمریکا (NRA) را که لابی قدرتمند مالکان تسلیحات این کشور به شمار می‌آید برانگیخته است.

عنان تصریح کرد: انرژی ما و تاکید و نارضایی های ما مستقیما در مخالفت با تجارت در زمینهء تسلیحات غیرقانونی است نه اسلحهء قانونی. دلالان اسلحه، مقامات فاسد، قاچاقچیان مواد مخدر، مجریان و کسانی که مرگ و آشوب را به جوامع ما سرایت می‌دهند، هدف ما محسوب می‌شوند.

در این کنفرانس دو هفته‌یی که تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک به میزان یک میلیارد دلار در سال را بررسی می‌کند، هیچگونه سندی که به لحاظ قانونی الزام آور باشد تهیه نخواهد شد؛ اما حامیان کنترل سلاح به دولت ها فشار می‌آورند تا چنین سلاح‌هایی تهدیدی

صبح کاذب دموکراسی در اُفق سیاسی افغانستان

بخش نخست

خواجه بشیر احمد انصاری - کانکورد - کالیفرنیا

در این سه دهه یی که سپری شد، مردم ما نظام های سیاسی مختلفی را تجربه نمودند. نظام شاهی، شاهی مشروطه، جمهوریت، دموکراسی چپ، حکومت جهادی، امارت طالبی و دموکراسی لبرال.

دموکراسی در حافظهء تاریخی ما تداعی کنندهء دو تجربهء دیگر نیز می باشد که یکی دموکراسی تاجداری که در دههء دموکراسی پیاده گردید و دیگرش جمهوری دموکراتیک افغانستان که در صبح هفتم ثور سال ۱۳۵۷ از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعلام گردید. تجربهء نخستین ما با دموکراسی با انارشی و ضعف اداره و بی نظمی همراه بود و دموکراسی دوم ما در مدت اندکی به تعداد یکصد هزار روشنفکر و دانشمند و استاد دانشگاه و نویسنده و کودک مکتب و اهل سیاست و درایت را در پلچرخی و سایر زندان های جهنمی فرو بلعید و با آن هم عطشش فرو ننشست.

با فروریزی نظام طالبانی ما شاهد دموکراسی یی از نوع دیگر بودیم. در این دوره نغمهء دموکراسی، به عنوان مصرفی ترین آهنگ در بازار مطبوعات و سیاست افغانستان مطرح گردید. کاروان این دموکراسی در حالی از شهر بن حرکت نمود که از بالا توسط طیاره های (بی ۵۲) و از پائین توسط نیروهای مسلح هژده کشور خارجی (غربی) اسکورت و بدرقه می گردید. رئیس جمهور این دموکراسی با آن که از سوی (مردم) انتخاب شده بود ولی از میان همه هموطنانش و در کشوری که از ناحیهء سرباز و جنگجو نه تنها (خود کفا) که حتی از صادر کنندگان این (تخصص) در جهان می باشد! کسی را برای محافظت خویش نیافت و تا مدت زیادی از سوی سربازان خارجی محافظت می گردید.

شالودهء بنیاد این دموکراسی در (بن) پی ریزی شد و در سرنوشت ساز ترین لحظات، دو رأی بر سیزده رأی ترجیح داده شده و مهندس آن، سنگ اول این ساختمان را از همان آغاز کج نهاد. موسم دموکراسی ما از بهار آن پیدا بود و کاروان آن در مسیری از قبل تعیین شده در حرکت افتاد و به راه خود ادامه داد. این دموکراسی به نیروی مردم نیامده بود. این دموکراسی زادهء برگه های رأی (Ballot) نبود بلکه مولود گلوله (Bullet) بود. این که آیا می شود به زور نیروی عسکر و آن هم نیروی بیگانه، کشوری را در مسیر دموکراسی قرار داد، پرسشی است بس مهم که نویسندهء این سطور در مقاله یی زیر عنوان (Afghanistan: Democratization by Force) تا اندازه یی به آن پاسخ داده است. ولی در این جا می خواهم به یک نکته اشاره نمایم و آن این که انتخابات آزاد و عادلانه و معیار قرار دادن رأی اکثریت انتخاباتی شرط نخستین تحقق دموکراسی در کشور ها به شمار می رود. آقای مارک پسینی (Mark Peceny) استاد دانشگاه نیومکسیکو در مقاله یی که زیر عنوان (Forcing Them to Be Free) در شماره سپتمبر ۱۹۹۹ Political Reserch Quarterly (فصلنامهء پژوهش های سیاسی) نوشته است، نشان می دهد که از نظر تاریخی، امریکا تنها در یک صورت توانسته است دموکراسی را برای کشور های دیگر به ارمغان ببرد و آن آماده ساختن اوضاع برای اجرای انتخابات آزاد و عادلانه بوده است. تاریخ افغانستان نشان می دهد که میان انتخابات و دموکراسی رابطه یی متقابل وجود نداشته است. ما در این سه دههء اخیر همیشه انتخابات داشته ایم ولی چنین انتخابات هایی نتوانستند راه را برای دموکراسی هموار سازند. امروز تقریبا همه نظام های دنیا برای کسب مشروعیت سیاسی و بین المللی از انتخابات های فرمایشی سود می برند ولی معیار دموکراسی بر مبنای نزاهت، پاکی، شفافیت، آزادانه و عادلانه بودن انتخابات نهاده شده است.

آنچه در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفت چیزی جز یک دروغ بزرگ نبود، دروغی که برای به کرسی نشاندن آن صدها میلیون دالر تخصیص داده شده بود. آخر چطور می توان کشوری را که تعداد نفوس آن را از بیست و دو تا بیست و نه میلیون انسان تخمین نموده اند، بیشتر از ده میلیون نفر برای انتخابات ثبت نام کنند. آیا شما می پذیرید که ساکنان قله های نورستان و پامیر، آنهایی که حتی شاید از روی کار آمدن آقای کرزی خبری نداشته باشند، در این انتخابات سهم گرفته اند؟

در انتخاباتی که آقای کرزی مشروعیت خویش را منبعث از آن می دانند، گفته شده بود که بیشتر از ۱۰،۵ میلیون نفر ثبت نام نموده بودند. شگفت این که این تعداد در حدود ۱۰۷٪ افراد واجد شرایط بود. در کشوری که اسم زن چیزی جز (عورت اجتماعی) نیست؛ در جامعه یی که زنان تنها دوبار از خانه بیرون می شوند- ببخشید بیرون کشیده می شوند- که یکبار از خانهء پدر به منزل شوهر و بار دوم از خانهء شوهر به خانه گور است؛ در سرزمینی که نصب کردن فوتوی زنان در کارت انتخابات و سایر اسناد رسمی گناهی بس بزرگ تلقی می گردد؛ در مرز و بومی که مظاهر دموکراسی برای عامهء مردمش کاملا نا آشناست؛ و بالآخره در جغرافیای بسته یی که مردمان برخی نقاط آن هیچ گونه رابطه یی با حکومت و سیاست ندارند، چطور می توان این نسبت اغراق آمیز را پذیرفت.

در امریکا با آن که سهولت های فراوانی برای انتخابات وجود داشته و فرهنگ دموکراسی در تار و پود مردمش ساری است، ولی در آخرین انتخابات ریاست جمهوری آن، کمتر از ۶۴٪ شهروندانی که واجد شرایط رأی دهی بودند، شرکت ورزیدند. این در حالی است که نسبت سهمگیری در انتخابات اخیر امریکا بیشتر از دفعه های گذشته بوده است.

مداخله های بی شرمانهء آقای خلیلزاد در امر این دموکراسی، رسوایی دیگری بود که مشروعیت آن را زیر سوال برد. روزنامهء لاس انجلس تایمز در شمارهء ۲۳ سپتمبر ۲۰۰۴ خویش گزارش مفصلی در بارهء آقای خلیلزاد نشر نموده و گفته بود که ایشان در پهلوی آن که سفیر و نمایندهء بوش در افغانستان بوده اند ریاست دفتر انتخاباتی آقای کرزی را نیز بدوش داشته اند.

در آن روزهایی که افغانستان مصروف آمادگی برای اجرای انتخابات ریاست جمهوری بود، آقای دونالد رامسفیلد سفری به افغانستان نمود که هدف آن معاینهء (اوضاع دموکراتیک) اعلام گردیده بود. آقای رامسفیلد در جریان آن سفر کنفرانسی را به اشتراک آقای کرزی در کابل برگزار نمودند. یکی از خبرنگاران وقتی که از حقیقت جعل و تقلب و گرفتن چند کارت در فرایند ثبت نام برای انتخابات سوال نمود، می دانید که آقای کرزی چه پاسخ داد؟ او گفت: "ما در حال تجربهء دموکراسی هستیم. بگذارید آنها دموکراسی را دو بار تجربه نمایند". و آیا می دانید که آقای رامسفیلد که رفته بودند تا (اوضاع دموکراتیک) نوین را از نزدیک مشاهده نمایند، در برابر این پاسخ چه تبصره کردند؟ هیچ! آنچه من یاد کردم به روز یازدهم اگست سال ۲۰۰۴ در ویب سایت رسمی وزارت دفاع امریکا (http://www.defenselink.mil) و همچنان در همان روز در روزنامهء مشهور (یو-اس-ای- تودی) و رادیوی آزادی و چند روز بعد در کانال عربی الجزیره انعکاس یافت. ما از همان آغاز این پروسه داریم دموکراسی- ببخشید جعل و تقلب- را چند بار تجربه می کنیم.

عرابهء شکستهء دموکراسی (افغانی) در مسیری که برایش ترسیم نموده بودند حرکت می نمود تا آن که در ۱۸ سپتامبر سال گذشته (۲۷ سنبله) موسم برگزاری انتخابات پارلمانی فرا رسید. در انتخابات پارلمانی هم جعل و تقلب فراوانی به کار رفت که مؤسسات بین المللی و کمیسیون مشترک انتخابات، خود بدان اعتراف نمودند.

با گشایش پارلمان، مردم افغانستان آمال فراوانی به (خانهء ملت) بستند ولی هنوز دیری نگذشته بود که بیماری نیروی اجرائیه و قضائیهء کشور در دستگاه قوهء مقننه نیز سرایت نمود و این (مرجع آمال) را از کار انداخت. مسخره ترین کاری که این پارلمان در این مدت انجام داد حادثهء تعیین سه وزیر بود. به این معنی که در رأی گیری روز پنجشنبه (۳۰ اپریل) مجلس نمایندگان افغانستان، از مجموع ۲۴۴ نمایندهء حاضر در مجلس، امیرزی سنگین (وزیر مخابرات) ۱۲۰ رأی، یوسف پشتون (وزیر توسعه شهری) ۱۲۱ رأی و اکبر اکبر (مهاجرین) ۱۱۸ رأی به دست آوردند. بحث های گرمی بر سر این مساله در پارلمان صورت گرفت، برخی آنها را کامیاب و عده یی مشروط اعلام نمودند. بیایید ببینیم که قانون اساسی افغانستان در این باب چه می گوید. در ماده ۱۰۶ آمده است: "نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی هنگام رای گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می شود و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود". بر مبنای این ماده، هر یک از وزرای محترم فوق باید حد اقل ۱۲۳ رأی می آوردند تا بحیث وزیر انتخاب می شدند. در جریان بحث روی این ماده، سخنان مضحکی در مجلس شورای ملی گفته شد و طرح های مضحکتری از سوی برخی اعضای پارلمان پیشنهاد گردید. خنده آور تر از همه تاکید و پافشاری عده یی بود که می خواستند رأی ممتنع را با غیر حاضران یکسان دانسته و از متن صریح قانون که از اکثریت آرای اعضای حاضر" حرف می زند، چشم بپوشد. یکی از شهکار های (دموکراسی افغانی) همین یکسان قرار دادن صاحبان رأی ممتنع با غیر حاضران است که تا هنوز در هیچ جای دنیا معمول نبوده است.

در آن جمع هیچکس حاضر نشد تا صدای خواهر عزیزی را بشنود که عمری را در قضا سپری نموده و همواره فریاد می زد که برادران! از برای خدا قانون اساسی کشور تان را زیر پا نکنید. اما مجلس شورای ملی که باید پاسبان قانون اساسی و سایر قوانین کشور باشد به جای آن که از قانون اساسی دفاع کند مساله را به رئیس جمهور راجع نمود. رئیس جمهور هم به جای آنکه بگوید قانون اساسی افغانستان در این مورد تصریح دارد، آن را به دیوان عالی قضا محول نمود.

دیوان عالی قضا که باید کنار قانون اساسی را می گرفت، برایش تنها نبض رئیس جمهور مهم بود و از همین لحاظ قانون اساسی کشور را به سادگی زیر پا نموده و آن سه کاندید وزیر محترم را برنده اعلام نمود. تغیر مادهء قانون اساسی نه از صلاحیت پارلمان است، نه از صلاحیت رئیس جمهور و نه هم از صلاحیت ستره محمکه. برای برنده اعلام نمودن آن سه وزیر محترم تنها دو راه وجود داشت: اول این که لوی جرگه دایر می شد و متن مادهء ۱۰۶ را این طور تعدیل می نمود: "نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی هنگام رای گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می شود و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضری که مثبت و یا منفی رأی داده اند، اتخاذ می شود". راه دوم این بود که پارلمان برای بار دوم رأی می داد و یا این که رئیس جمهور آنها را برای بار دوم پیشنهاد می نمود.

نکتهء قابل توجه دیگر این بود که در مراسم ادای سوگند، از هدایت امین ارسلا، به عنوان وزیر ارشد حکومت و کسی که "نیازی به تأیید پارلمان نداشته است" نام برده شد و به این ترتیب آقای ارسلا بیست و یکمین فردی بود که به عنوان وزیر سوگند وفاداری یاد نمود. وزارت ارشد چه معنی یی را افاده می کند و چرا آقای کرزی این وزارت را برای آقای امین ارسلا ایجاد نمودند، پرسش هایی اند که پاسخ می طلبند. پرسش دیگری که سر بلند می کند این است که آقای کرزی در حالی می دانست پست وزارت ارشد مخالف نظام ریاستی است ولی چرا آن را برای پارلمان پیشنهاد نمود و سپس اظهار داشت که وزیر آن نیازی به تأیید پارلمان ندارد. برای پاسخ به این پرسش ها باید گفت که اگر نحوهء کار آقای کرزی را از همان آغاز مطالعه نمائیم می بینیم که همه تلاش ایشان در به حاشیه کشاندن رقیبان سیاسی بالقوه و بالفعل شخص خود شان مصرف شده و بس. ایشان در مرحلهء نخست از حربهء جنگسالار بسیار سود بردند و با از میان برداشتن آقای فهیم-که ایشان حالا تصور می کنند که تنها با پوشیدن لباس های پر زرق و برق نظامی و کله کج نهادن و تند نشستن دارند کار مهمی انجام می دهند- دیگر باید در فکر از میان برداشتن رقیبان دیگر خویش شوند. اشرف غنی نخستین شخصی بود که آقای کرزی از پیوند های خارجی و داخلی ایشان هراس داشت. حاجی عبدالقدیر شخصیت دومی بود که آقای کرزی از همان آغاز او را نمی خواست. حقایق داستان قوماندان عبدالحق را هم خدا می داند. استاد ربانی از شخصیت های دیگری بود که کرزی و خلیلزاد توانستند در کنار تنه اش دو سه شاخچهء دیگری بنشانند و نیروی گروهش را به انحلال کشند. حالا نوبت به هدایت امین ارسلا رسیده است. هدایت امین ارسلا کیست؟ هدایت امین ارسلا فرزند عبدالله جان فرزند امین الله خان فرزند معاذالله خان فرزند ارسلا خان است که تخلص ارسلا را از جد بزرگ خویش گرفته است. ارسلا خان غلجی از شخصیت های مهم کابینهء سال ۱۸۷۴ شیر علی خان بود که امیر موصوف در جمع پنج وزیر خویش سمت وزارت خارجه را به دوش او گذاشته بود. میر غلام محمد غبار در صفحهء ۵۹۵ جلد اول تاریخ خویش اسم او را (ارسلاح خان غلجائی) نوشته است. هدایت امین ارسلا که نواسهء کاکای مرحوم حاجی عبدالقدیر و عبدالحق می باشد یگانه شخصیت باقی مانده درساحه است که با در نظر داشت سابقهء خانوادگی و ارتباطات خارجی خویش می تواند با آقای کرزی رقابت نماید. ایجاد پست وزارت ارشد، به معنای ارجگذاری به آقای هدایت امین ارسلا نه، بلکه برنامه یی است برای کوبیدن این حریف کهنه کار، صبور و درونگرا. آقای کرزی در حالی که در تعیین نمودن او چهره یی صمیمی و خیرخواه به خود گرفته است ولی در حقیقت می خواهد با این کار، حریف خویش را از چند استقامت در خاموشی بکوبد. او می خواهد گریبان آقای ارسلا را در دست نمایندگان مردم دهد.

می خواهد ایشان را به حیث وزیر غیر قانونی توهین نموده و از نظر ها بیندازد.

می خواهد میان ایشان و سایر وزرا و همچنان میان ایشان و معاونان رئیس جمهور دشمنی و کینه و سؤ نیت ایجاد نماید. آقای کرزی می خواهد او را در کرسی یی بنشاند که نه بودجه دارد، نه جایگاهی در نظام سیاسی افغانستان، نه وظایف و مسؤولیت های مشخص و نه هم از سوی پارلمان کشور تأیید شده است.

در انتخاباتی که آقای کرزی مشروعیت خویش را منبعث از آن می داند، گفته شده بود که بیشتر از ۱۰،۵ میلیون نفر ثبت نام نموده بودند. شگفت این که این تعداد در حدود ۱۰۷٪ افراد واجد شرایط بود. در کشوری که اسم زن چیزی جز (عورت اجتماعی) نیست؛ در جامعه یی که زنان تنها دوبار از خانه بیرون می شوند- ببخشید بیرون کشیده می شوند- که یکبار از خانهء پدر به منزل شوهر و بار دوم از خانهء شوهر به خانه گور است؛ در سرزمینی که نصب کردن فوتوی زنان در کارت انتخابات و سایر اسناد رسمی گناهی بس بزرگ تلقی می گردد؛ در مرز و بومی که مظاهر دموکراسی برای عامهء مردمش کاملا نا آشناست؛ و بالآخره در جغرافیای بسته یی که مردمان برخی نقاط آن هیچ گونه رابطه یی با حکومت و سیاست ندارند، چطور می توان این نسبت اغراق آمیز را پذیرفت

اگر نحوهء کار آقای کرزی را از همان آغاز مطالعه نمائیم می بینیم که همه تلاش ایشان در به حاشیه کشاندن رقیبان سیاسی بالقوه و بالفعل شخص خود شان مصرف شده و بس. ایشان در مرحلهء نخست از حربهء جنگسالار بسیار سود بردند و با از میان برداشتن آقای فهیم-که ایشان حالا تصور می کنند که تنها با پوشیدن لباس های پر زرق و برق نظامی و کله کج نهادن و تند نشستن دارند کار مهمی انجام می دهند- دیگر باید در فکر از میان برداشتن رقیبان دیگر خویش شوند. اشرف غنی نخستین شخصی بود که آقای کرزی از پیوند های خارجی و داخلی ایشان هراس داشت. حاجی عبدالقدیر شخصیت دومی بود که آقای کرزی از همان آغاز او را نمی خواست. حقایق داستان قوماندان عبدالحق را هم خدا می داند. استاد ربانی از شخصیت های دیگری بود که کرزی و خلیلزاد توانستند در کنار تنه اش دو سه شاخچهء دیگری بنشانند و نیروی گروهش را به انحلال کشند. حالا نوبت به هدایت امین ارسلا رسیده است

ادامه دارد

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا از عالي‌ترين آرزوهاي‌ملت

دور ششم سال چهارم شمارهٔ یازدهم چهارشنبه ۷ سرطان ۱۳۸۴ ۱ جمادی الآخر ۱۴۲۶ — June 28 2006

حامد کرزی:

ملا عمر شخصی ترسو است

ملاعمر:

بسیاری از مناطق افغانستان در تصرف طالبان قرار دارد

در هفتهء جاری یک تلویزیون پاکستان نوار صوتی شخصی را که گفته می شود ملا عمر است پخش کرد. ملاعمر در این نوار صوتی گفته است که طالبان تا کنون متواری نشده اند آنها بسیاری از مناطق افغانستان را در تصرف خویش در آورده اند.

همچنان در این نوار صوتی گفته شده است که ائتلاف دولت افغانستان با امریکا از خشونت های روز افزون در شرایط کنونی چیزی نخواهد کاست.

این نوار صوتی در حالی پخش می شود که نیروهای امریکایی مشغول عملیات زیر نام "یورش کوهستان" هستند. هدف از این عملیات راندن جنگجویان طالب از مناطق جنوبی کشور می باشد که در ماه های اخیر در این مناطق نا امنی ها افزایش یافته است. همچنان گفته می شود که هدف از عملیات کنونی آماده کردن زمینه برای تغییر فرماندهی در مناطق جنوبی کشور می باشد که قرار است در پایان ماه جولای از نیروهای ائتلاف بین المللی تحت رهبری آمریکا به نیروهای تحت فرماندهی ناتو محول گردد.

حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان گفته است که ملا عمر رهبر فراری طالبان شخص جبونی است و خواسته است که او از مخفی گاه خود خارج شود.

گفتنی است که پخش نوار صوتی ملاعمر از تلویزیون پاکستانی بیانگر آن است که ملاعمر و حواریون او در مناطق مرزی پاکستان به سر می برند که ژورنالیستان آن کشور هرگاه خواسته باشند با او در تماس می شوند.

ناگفته نماند که برخی از منابع گفته است که شماری از بستگان طالبان نسبت این نوار صوتی به ملاعمر را رد کرده اند. در صورت رد این نوار از سوی طالبان برخی از تحلیلگران به این باورند که این کار از طرف منابع استخباراتی جهت تحت فشار قراردادن دولت افغانستان به ویژه در زمانی صورت گرفته است که وزیر خارجهء افغانستان آقای سپنتا مشغول مذاکرات با مقامات پاکستان در اسلام به سر می برد.

پوتین با تعیین ضرب الاجل برای ایران مخالفت کرد



ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه با تعیین ضرب الاجل برای ایران جهت پاسخ دادن به پیشنهادی که دولتهای اروپایی برای حل مسالهء هسته یی این کشور داده اند، مخالفت کرد.

به گزارش سایت اینترنتی بی بی سی آقای پوتین طی سخنرانی در همایش دیپلماتهای کشورش در مسکو گفت که دولت روسیه در تعیین ضرب الاجلی که وضعیت پیش آمده بر سر مسألهء هسته یی ایران را به بن بست بکشاند شرکت نخواهد کرد.

روسیه به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و فراهم آورنده اصلی فناوری غنی سازی اورانیوم برای ایران، از جمله شش دولتی است که تلاشی دیپلماتیک برای رفع نگرانی از فعالیت اتمی ایران را آغاز کرده اند.

این شش دولت طی هفته های اخیر بر سر مجموعه یی از امتیازها به توافق رسیده اند که بریتانیا، فرانسه و آلمان پیشنهاد داده اند تا ایران در ازای دریافت آنها، فعالیت اتمی خود را محدود کند.

آمریکا و متحدانش از این که غنی سازی اورانیوم در ایران به این کشور توان تولید سلاح هسته یی بدهد نگرانند و خواهان آنند که تا زمان رفع این نگرانی، غنی سازی اورانیوم و کلیه فعالیتهای مرتبط با آن در ایران متوقف شود، هرچند ایران بارها تأکید کرده که تنها هدفش از غنی سازی اورانیوم تولید سوخت مورد نیاز نیروگاههای هسته یی است."

محتوای امتیازهای پیشنهادی اروپاییها به ایران که به بسته پیشنهادی معروف شده هنوز رسماً مشخص نیست اما آن گونه که از اظهارنظرهای برخی مقامهای ایرانی و اروپایی بر می آید، مسائلی همچون سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران، فروش هواپیماهای مسافربری ایرباس و قطعات هواپیماهای بوئینگ به این کشور و احتمالاً تضمینهای امنیتی در آن مطرح شده است.

مقامهای ایرانی از بسته پیشنهادی استقبال کرده و آن را "گامی به جلو" و "سازنده" اما "دارای ابهام" خوانده و فرصتی برای بررسی این پیشنهادها و اعلام نظر در مورد آنها تعیین کرده اند، با اعتراض آمریکا و متحدان اروپایی اش مواجه شده است.

رئیس جمهور ایران اواخر مرداد (نیمه دوم اوت) را برای اعلام پاسخ دولت خود در مورد بسته پیشنهادی اعلام کرده اما رئیس جمهور آمریکا چنین موعدی را "بیش از حد دیر" خوانده و مقامهای اروپایی نیز پیشتر گفته بودند که ایران باید تا هنگام برگزاری نشست سران هشت کشور بزرگ صنعتی جهان که از پانزدهم تا هفدهم ژوئیه (۲۴ تا ۲۶ تیر) در شهر سن پترزبورگ روسیه تشکیل می شود پاسخ خود را اعلام کند.

مخالفت روسیه با فشار بر ایران برای پاسخ دادن به بسته پیشنهادی در زمانی که آمریکا و متحدان اروپایی اش خواسته اند شکاف تازه یی در صف دولتهای ششگانه یی به شمار می رود که به دنبال محدود کردن فعالیت اتمی ایرانند.

این دولتها که شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و چین می شوند بر سر تهدید ایران به تحریم اقتصادی یا برخورد نظامی نیز با یکدیگر اختلاف دارند.

حوادث عراق در هفتهء جاری

کشته و زخمی شدن بیش از ۸۰ تن در دو انفجار در حله و بعقوبه

ربوده شدن ۱۰ دانشجو در بغداد

ترور نافرجام عدنان الدیلمی

دو انفجار در حله و بعقوبه، نزدیک به ۵۰ کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشت.

به نقل از پایگاه اینترنتی المحیط ، در انفجار یک بمب در نزدیکی یک بازار مزدحم در منطقهٔ شیعه نشین حله واقع در جنوب بغداد، دست کم ۳۰ تن کشته و بیش از ۱۷ تن زخمی شدند.

این یکی از شدیدترین حملات تروریستی پس از کشته شدن ابومصعب الزرقاوی رهبر تشکیلات القاعده در عراق محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، یک مقام وزارت داخلهء عراق از انفجار یک موتور بمب گذاری شده در یک بازار در منطقهٔ خیرنبات از توابع بعقوبه خبر داد. این حادثه نیز ۱۸ کشته و ۲۰ مجروح بر جای گذاشت.

خبرگزاری فرانسه نیز گزارش داد: ۱۰ دانشجو از خوابگاه شان در بغداد ربوده شدند.

مردان مسلح سوار بر پنج موتر به خوابگاه دانشجویان در منطقهٔ کراده در بغداد حمله کرده و ۱۰ تن از دانش آموزان را ربودند.

همچنین وزارت داخلهء عراق اعلام کرد که در اثر انفجار موتر بمب‌گذاری شده نزدیک موتر گشتی ارتش عراق در منطقهٔ عامریه پنج سرباز عراقی کشته شدند.

از سوی دیگر، در منطقهٔ السیدیه، یک عامل انتحاری خود را در مرکز تفتیش و بازرسی پلیس منفجر کرد که در اثر آن سه نیروی کماندوی پلیس کشته شدند.

در حملهٔ مردان مسلح به موتر عدنان الدیلمی نمایندهٔ سنی پارلمان عراق نیز محافظ وی کشته شد.

از سوی دیگر، مسؤولان عراقی در چارچوب برنامهء تازهء نوری المالکی، نخست وزیر عراق، ۴۵۰ نفر از زندانیان ابوغریب را آزاد کردند.

به گزارش سی ان ان، موفق الربیعی، مشاور امنیت ملی عراق گفت: زندانیان آزاد شده هیچ گونه محکومیتی نداشتند.

وی افزود: این افراد بنا به دلایل امنیتی بازداشت شده بودند و به دلیل ایجاد فضای حسن نیت در میان مردم و نشان دادن جدیت دولت در ایجاد وفاق ملی، آزاد شدند.

به گزارش وزارت عدلیه، پیش از این نزدیک به ۲۷۰۰ زندانی دیگر طی ماه جاری آزاد شدند.

شیخ حسن ظاهر اویس رهبر جدید سومالی:

سومالی کشوری اسلامی است و باید با شریعت اداره شود

شیخ حسن ظاهر اویس گفت: سومالی کشوری اسلامی است که صد در صد مردم آن مسلمان هستند بنابر این هر دولتی که با آن توافق کنیم باید بر مبنای قرآن مقدس باشد و براساس تعالیم پیامبر ما محمد (ص) عمل کند. به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس ، اویس که از رهبران شورای عالی دادگاه های اسلامی سومالی است گفت دولت جدید سومالی باید شریعت اسلام را پیاده کند.

در این حال به گزارش بی بی سی ، دولت امریکا اعلام کرد با رهبر جدید سومالی اویس که نیروهایش کنترل بیشتر قسمت های جنوب این کشور را در دست دارند ، معامله نخواهد کرد. ص ۶